

## ترجمه متون علوم اجتماعی: مشکلات و راه حل‌ها

مصطفی صداقت‌رستمی<sup>۱</sup>، علی بیگدلی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۴/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۵/۱۱/۰۹)

### چکیده

در کشور ما، توجه کمی به ترجمه متون علمی، به ویژه متون علوم اجتماعی شده است و اکثر محققان و دانشگاهیان ترجمه پژوه و زبان‌شناس ما توجه خود را به متون ادبی معطوف کرده‌اند. البته، باید گفت که نظریه پردازان ترجمه نیز زیاد به متون علمی نپرداخته‌اند و تمرکز اصلی شان متون ادبی بوده است. ترجمه متون علمی مشکلات خاص خود را دارد و هرکسی قادر نیست که وارد عرصه ترجمه متون علمی، به خصوص متون علوم اجتماعی، شود. با توجه به این مسئله، هدف تحقیق حاضر این است که برای ترجمه متون علوم اجتماعی راهکارهایی برگرفته از آرای نظریه پردازان رشته مطالعات ترجمه و نیز مترجمان فعال در زمینه علوم اجتماعی ارائه دهد. برای این منظور، به مواردی همچون تمایز میان متون ادبی و علمی و فرآیند معادل‌یابی در ترجمه متون علوم اجتماعی اشاره می‌کنیم و در خلال این موارد به مشکلات ترجمه این نوع متون می‌پردازیم. تحقیق پژوهش توصیفی-تحلیلی است و امید است که این مقاله بتواند توجه ما را به ترجمه متون علمی بیشتر

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مطالعات ترجمه، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

Mostafa\_Sedaghat@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادگروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران alibigdeli.hist@yahoo.com

کند و برای دانشجویان رشته علوم اجتماعی و افراد علاقه‌مند به ترجمه متون علوم اجتماعی و علمی مفید باشد.

**واژگان کلیدی:** متون علمی، متون علوم اجتماعی، ترجمه، مطالعات ترجمه، معادل‌یابی.

### مقدمه

علوم اجتماعی اصطلاح وسیعی است که می‌توان برای رشته‌های مختلفی همچون مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، روان‌شناسی، علوم سیاسی و... به کار برد و هدف اصلی آن اکتساب دانشی سازمان‌یافته در باب حقیقتی اجتماعی است (شوتز، ۱۹۷۰: ۵). با توجه به این تعریف، باید گفت علوم اجتماعی متون مختلفی را دربرمی‌گیرد و تنها به رشته‌ای خاص مانند جامعه‌شناسی محدود نیست. این متون ویژگی‌های خاص خود را دارند که آنها را از دیگر متون علمی، مانند فیزیک، ریاضیات، شیمی و... و نیز متون ادبی متمایز می‌سازد. با توجه به ویژگی‌های خاص متون علوم اجتماعی، مترجم این متون نیز با سختی‌هایی روبه‌رو خواهد شد که مختص علوم اجتماعی است. در متون علوم اجتماعی، مانند متون علمی دیگر، از مفاهیمی استفاده می‌شود که عنصر اصلی ارتباط با خواننده‌اند.

ایمانوئل والرشتاین (۱۹۸۱) بر این اعتقاد است که یکی از ویژگی‌های متمایزکننده متون اجتماعی کثرت مفاهیم است. والرشتاین (۱۹۸۱: ۸۸) بیان می‌کند: «این نوع مفاهیم از یک سو دارای ارجاعات معنایی مشترک و براساس اطلاعات و طبقه‌بندی‌های مشترک مربوط به حقیقت هستند». به بیان دیگر، این نوع مفاهیم از دانش و اطلاعاتی استخراج شده‌اند که بیشتر افراد از آن‌ها آگاهی دارند. از سویی دیگر، این مفاهیم میان همگان مشترک نیستند و در باب آنها بحث و جدل‌هایی به راه افتاده است. مترجمی که با این مفاهیم سروکار دارد نیز، قاعدتاً، با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد که برای حل آنها باید تصمیمات مناسبی اتخاذ کند؛ چون، بنابر نظر جری لوی (۲۰۰۰/۱۹۶۷) ترجمه فرآیند تصمیم‌گیری است؛ یعنی مترجم برای انتقال مفاهیم به زبان دیگر باید راه‌حلی اتخاذ کند که بیشترین تأثیر را بر خواننده داشته باشد و تلاش کمتری نیز از خود مترجم بطلبد. مترجم متون علوم اجتماعی زمانی می‌تواند بهترین تصمیم را اتخاذ کند که به ویژگی‌های متن احاطه کامل داشته باشد و راه‌حل‌های مناسب برای غلبه بر مشکلات را به‌خوبی بشناسد.

یکی از مشکلاتی که مترجمان در فرایند ترجمه متون مختلف، به‌خصوص متون علمی، با آن مواجه می‌شوند معادل‌یابی است. معادل‌یابی در متون علمی به نسبت متون ادبی از اهمیت بیشتری

برخوردار است. «در متون ادبی این بافت متن است که به یک کلمه مرکزیت و اهمیت می‌دهد، اما در متون علمی بعضی از کلمات بدون نیاز به بافت متنی می‌توانند از مرکزیت و اهمیت برخوردار باشند» (صداقت‌رستمی، ۲۰۱۲: ۶۸).

با توجه به آنچه بیان شد، در تحقیق حاضر برآنیم تا در ابتدا، ویژگی‌های متون علوم اجتماعی را مشخص کنیم و با توجه به این ویژگی‌ها، مشکلات موجود در ترجمه این نوع متون، به‌خصوص فرآیند معادل‌یابی، را بررسی کنیم و با توجه به نظر دانشمندان ترجمه‌پژوه و زبان‌شناس و نیز مترجمان برجسته فعال در عرصه علوم اجتماعی، راه‌هایی برای حل مشکلات این متون، به‌خصوص در زمینه معادل‌یابی، ارائه دهیم.

### مبانی نظری

یکی از عواملی که باعث می‌شود افراد در ترجمه دچار مشکل شوند، فقدان شناخت درباره متن است. به بیان دیگر، مترجم ویژگی‌های متن را نمی‌داند و تمام متن‌ها، از نظر او، یکسان‌اند. هر متن ویژگی‌های خاص خود را دارد و با توجه به نوع متن باید روش‌های خاصی برای ترجمه به کار برد. بنابراین، یکی از عواملی که برای مترجمان، به‌خصوص در حوزه علوم اجتماعی، مشکل می‌آفریند تمایزنگذاشتن میان متون مختلف است که باعث می‌شود مترجمان برای تمام متن‌ها روش‌های یکسانی را به کار گیرند. کاترینا رایس (۲۰۰۰)، یکی از نظریه‌پردازان برجسته در مطالعات ترجمه، متن‌ها را براساس کاربردهای زبانی به چهار دسته تقسیم کرده‌است و کارل بوهلر (۱۹۳۴) این چهار دسته را بسط داده‌است. این چهار نوع متن و ویژگی‌های آنها به شرح ذیل هستند:

۱. متن اطلاعاتی<sup>۱</sup> (محتوا محور):<sup>۲</sup> در این نوع متن‌ها، محتوا (پیام‌های موجود در متن) از اهمیت بیشتری برخوردار است و چگونگی بیان پیام‌ها (فرم زبانی) اهمیت کمتری دارد. گزارش‌های علمی از این دست‌اند که هدفشان انتقال پیام و دادن اطلاعات به خواننده است. به‌طور کلی، متون علمی زیرمجموعه این نوع متن قرار می‌گیرند.

۲. متن بیانی یا توصیفی<sup>۳</sup> (فرم محور):<sup>۴</sup> در این نوع متن‌ها، فرم (چگونگی بیان محتوا) از خود محتوا اهمیت بیشتری دارد. در این نوع متن، نویسنده بیشتر از بعد زیبایی‌شناختی زبان استفاده می‌کند.

<sup>1</sup> Informative Text

<sup>2</sup> Content-Focused Texts

<sup>3</sup> Expressive Text

<sup>4</sup> Form-Focused Texts

شعر و متون ادبی را از این دست آثار باید برشمرد. آنچه این متن‌ها را از دیگر متن‌ها متمایز می‌سازد چگونگی بیان است نه خود پیام موجود در متن.

۳. متن ترغیبی<sup>۱</sup> (متون جذبه‌محور):<sup>۲</sup> تمرکز این نوع متن بر جاذبه و گیرایی است. به بیان دیگر، هدف این متن جذب کردن و متقاعد ساختن خواننده است تا به شیوه‌ای خاص رفتار کند. از میان این متون می‌توان به تبلیغات و شعارهای تبلیغاتی اشاره کرد که هدف آنها کشیدن خواننده به سوی خود و متقاعد کردن اوست.

۴. متون شنیداری- رسانه‌ای:<sup>۳</sup> در این نوع متن، به همراه متون نوشتاری، از رسانه‌های الکترونیکی مانند تصویر و موسیقی و... استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، متون چندرسانه‌ای متن‌هایی هستند که محتوای کلامی‌شان به کمک عناصری از رسانه‌های دیگر تکمیل می‌شود. با وجود این، «چنین متن‌هایی در عین حال به یکی از سه متن اشاره شده در بالا تعلق دارند» (شاتلورث و کاوی، ۲۰۰۶: ۱۷۵). ترانه‌ها، فکاهی‌های مصور، نمایش‌نامه‌ها، نوشته‌های رادیویی یا نوشته‌های تلویزیونی در شمار این متون هستند.

پس از آنکه مترجم نوع متن را شناخت، باید برای ترجمه متن به سراغ معادل‌یابی برود. در گذشته، فرآیند ترجمه بر اساس معادل‌یابی تک‌تک کلمات بوده است، اما امروزه این دیدگاه در حال تغییر است. آنچه امروزه در ترجمه متن اهمیت دارد، فقط برابری و تعادل میان کلمات نیست، بلکه ترجمه انگاره‌های اصلی متن نیز دارای اهمیت است. «در ترجمه متون علمی و فنی، مترجم باید آگاه باشد که ترجمه چطور می‌تواند به درستی هدف نویسنده متن اصلی را به خواننده متن ترجمه شده انتقال دهد» (ویبر، ۲۰۰۸: ۱). یکی از مشکلاتی که مترجمان با آن روبه‌رو می‌شوند معادل‌یابی در سطح کلمه است. باید گفت معادل‌یابی فقط در سطح کلمه خلاصه نمی‌شود، بلکه در سطوح مختلفی انجام می‌گیرد. نظریه پرداز و ترجمه‌پژوه مصری، مونا بیکر<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) در فهرست کتاب معروف خود با عنوان به عبارت دیگر: کتابی مرجع در باب ترجمه<sup>۵</sup> معادل‌یابی را به گونه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده و بر این اعتقاد است که تعادل در سطوح گوناگونی واقع می‌شود:

<sup>۱</sup> Appellative Text

<sup>۲</sup> Appeal-focused text

<sup>۳</sup> Audio-Visual text

<sup>۴</sup> Mona Baker

<sup>۵</sup> In other words: A coursebook on translation

۱. تعادل در سطح کلمه؛<sup>۱</sup>
  ۲. تعادل فراتر از سطح کلمه؛<sup>۲</sup>
  ۳. تعادل گرامری؛<sup>۳</sup>
  ۴. تعادل متنی: ساختارهای موضوعی و اطلاعاتی؛<sup>۴</sup>
  ۵. تعادل متنی: انسجام؛<sup>۵</sup>
  ۶. تعادل منظورشناختی.<sup>۶</sup>
- هنری هیم و تیموسکی<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) بر این اعتقادند که دو نگرش دیرین برای معادل‌یابی اصطلاحات فنی وجود دارد که در ادامه با عنوان «معادل‌یابی» به آن اشاره خواهد شد. علاوه بر این، برای معادل‌یابی راهکارهایی نیز وجود دارد که در این مقاله به راهکارهای مفید هنری هیم و تیموسکی (۲۰۰۶) و مونا بیکر (۱۹۹۲) اشاره می‌کنیم.

### روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است؛ ابتدا، براساس آرای نظریه‌پردازان برجسته ترجمه و دیگر صاحب‌نظران، تفاوت‌های میان متون ادبی و متون علمی ارائه می‌شود و نمونه‌هایی از تفاوت میان متون ادبی و متون علمی (با تمرکز بر متون علوم اجتماعی) ذکر می‌شود و روش‌های ترجمه این متون تحت بررسی قرار می‌گیرد. سپس، تمرکز خود را از کل متن، بر کلمات اختصاصی متون علوم اجتماعی قرار می‌دهیم و با در نظر گرفتن راهکارهای مونا بیکر (۱۹۹۲) و محققانی چون هنری هیم و تیموسکی (۲۰۰۶) بهترین راهکارها را برای ترجمه اصطلاحات متون علوم اجتماعی ارائه خواهیم داد.

<sup>1</sup> Equivalence at word level

<sup>2</sup> Equivalence above word level

<sup>3</sup> Grammatical equivalence

<sup>4</sup> Textual equivalence: thematic and information structures

<sup>5</sup> Textual equivalence: Cohesion

<sup>6</sup> Pragmatic equivalence

<sup>7</sup> Michael Henry Heim & Andrzej W. Tymowski

### تمایز میان متون ادبی و علمی

با توجه به دسته‌بندی‌ای که کاترینا رایس صورت داده‌است، متون علوم اجتماعی جزء دسته اول‌اند، چون در این متون، محتوا و انتقال پیام به نسبت فرم اهمیت بیشتری دارد. در نتیجه، متون علوم اجتماعی جزء متون علمی محسوب می‌شوند و با متون ادبی (شعر، رمان و...) تفاوت دارند. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های میان متون ادبی و علمی این است که عنصر اصلی تشکیل‌دهنده متون ادبی، عناصر ادبی و زبانی مانند تشبیه، استعاره، اصطلاحات ادبی و... است. تفاوت دیگر این متون در این است که از زبان در متون علمی برای بیان حقیقت استفاده می‌شود، ولی هدف متون ادبی بیشتر جذب خواننده و برانگیختن احساس و علاقه اوست و این هدف، حتی به‌بهای مخدوش کردن حقیقت، به‌دست می‌آید. این تفاوت‌های متون علمی و ادبی باعث می‌شوند که این دو نوع متن اهداف دیگری نیز داشته باشند. کارول ریوز (۲۰۰۵: ۷) اهداف دو متن علمی و ادبی را این‌گونه بیان می‌کند:

«جامعه علمی خواهان وضع چیزهایی است که اغلب واقعی و پایدارند و برای وضعیت‌های گوناگون کاربرد دارند. جامعه شعری و ادبی خواهان چیزهای نامتعارف، انتزاعی، مبهم و تغییرپذیرند. شاعران بر این امیدند که خوانندگان پس از خواندن شعرشان، قادر به درک تجربه‌ای نامتعارف و شخصی باشند و این تجربه می‌تواند برای دیگران تکرارشدنی یا تکرارناپذیر باشد. دانشمندان امیدوارند که خوانندگان پس از خواندن گزارش علمی آنها، قادر به تکرار روش‌ها و به‌کارگیری آنها در وضعیت‌های جدید باشند.»

چنین تفاوت‌هایی ممکن است ما را به این‌باور برساند که ویژگی‌های متون ادبی، به‌هیچ‌وجه، در متون علمی یافت نمی‌شوند. اما، چنین تصویری نادرست است، چون «عناصری مانند تشبیه و فن بلاغت، که بیشتر در متون ادبی یافت می‌شود، از ویژگی‌های ذاتی زبان طبیعی است» (ساروکای، ۲۰۰۱: ۶۵۳). بنابراین، از آنجاکه زبان ابزار انتقال پیام در متون علمی است، عناصر موجود در متون ادبی را نیز می‌توان در متون علمی یافت و این ضعف متون علمی نیست، بلکه متون علمی با استفاده از این عناصر بر قوت و تأثیر خود می‌افزایند. به‌طور کلی، «متون علمی ویژگی‌های سبکی، زیبایی شناختی، بلاغی، تشبیهات و استعارات و... خاص خود را دارند» (ساروکای، ۲۰۰۱: ۶۵۱). هنری‌هیم و تیموسکی (۲۰۰۶: ۴) نیز در تمایز میان متون ادبی و متون علوم اجتماعی می‌نویسند:

«شیوه بیان و سبک نگارش باعث خلق متون ادبی می‌شود. در متون علوم اجتماعی معنا و تأثیر متن معمولاً وابسته به شیوه بیان نیست، اگرچه در متون علوم اجتماعی اصطلاحات بسیاری نیز به چشم می‌خورد؛ بعضی از دانشمندان علوم اجتماعی به سبک نگارش خود افتخار می‌کنند و در واقع، بعضی از متون علوم اجتماعی (برای نمونه روایات تاریخی) شبیه نوشته‌های ادبی‌اند.»

علاوه بر تفاوت مزبور میان متون ادبی و علمی، باید گفت انواع متون علمی نیز تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. برای مثال، متون سیاسی و اجتماعی سبک نگارش، لغات و ویژگی‌های نحوی خاص خود را دارند. یکی از محققان روسی به نام ویکتوریا سوبوتینا<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) با بررسی ۵۳ متن اجتماعی و سیاسی دریافته است که از نظر دستوری، در این متون، بیشتر از افعال مجهول، وجه مصدری، افعال وجهی و ساختارهای مشتق از فعل استفاده شده است. به عبارت دیگر، متون مختلف نه تنها اصطلاحات خاص خود را دارند، بلکه از نظر دستوری نیز بعضی از ساختارها بیشتر در آنها استفاده می‌شوند. علاوه بر این، بعضی از کلمات در جایگاه اصطلاحات خاص در متون مختلف علمی استفاده می‌شوند و مترجم باید براساس نوع متن این اصطلاحات را ترجمه کند. برای مثال، کلمه انگلیسی «Depression» از اصطلاحات خاص متون اقتصادی، روان‌شناسی و پزشکی است و مترجم باید براساس نوع متن آن را ترجمه کند؛ یعنی در متن اقتصادی باید برای ترجمه آن از معادل «رکود»، در متن روان‌شناسی از معادل «افسردگی» و در متن پزشکی از معادل «فرورفتگی» استفاده کند. همچنین، می‌توان به کلمه انگلیسی «Class» اشاره کرد که در متون اجتماعی جایگاه اجتماعی و... فرد اشاره می‌کند و در متون گیاه‌شناسی رده جانوران را در نظر دارد.

از دیدگاه نظریه پردازان ترجمه، به خصوص کاترینا رایس، این گونه تمایزهای میان متون مختلف، مخصوصاً متون ادبی و علمی، مترجم را بر آن می‌دارد که روش خاصی برای ترجمه هر متن اتخاذ کند. به بیان دیگر، نوع متن و ویژگی‌های آن یکی از عوامل تعیین‌کننده برای استفاده از روش خاص در ترجمه است. برای اینکه این موضوع (اتخاذ روشی خاص طبق نوع متن) را روشن کنیم، با ذکر نمونه‌هایی از عناصر بلاغی یا اصطلاحات ادبی در متون علمی، بیان خواهیم کرد که با توجه به ویژگی‌های متن علمی، می‌توان روشی برای ترجمه اتخاذ کرد که روح متن ادبی را خدشه‌دار می‌کند. با توجه به سخن شوترز (۱۹۷۰)، که در آغاز مقاله آمد، برای این بخش نمونه‌هایی از کتاب *تاریخ فرهنگ ایران به قلم رضا نوری شادمهانی* (۱۳۹۰) ذکر می‌شود. برخی بر این باورند که رشته تاریخ و نوشته‌های مرتبط با آن جزئی از علوم انسانی است. حتی اگر نظر این افراد درست باشد، استفاده از این کتاب برای مقاله حاضر، که درباره متون علوم اجتماعی است، چندان بی‌ربط نیست، چون هدف اصلی متون مربوط به تاریخ نیز مانند متون علوم اجتماعی انتقال مفاهیم و اطلاعات به خواننده است. در نتیجه، بیان نمونه‌هایی از این کتاب خلاف موضوع اصلی متن، ترجمه متون علوم اجتماعی، نیست.

<sup>۱</sup>Victoria Subbotina

<sup>۲</sup>هنری هیم و تیموسکی (۲۰۰۶) در نوشته‌های تحت عنوان «رهنمون‌هایی برای ترجمه متون علوم اجتماعی» نوشته‌های مربوط به تاریخ را جزء متون علوم انسانی دسته‌بندی کرده و گفته‌اند که بسیاری از روش‌های ترجمه برای ترجمه متون علوم اجتماعی و متون علوم انسانی یکسان‌اند.

### نمونه اول:

«خط میخی ایلامی در این دوره رایج می‌گردد. برخلاف خط پروتو ایلامی دوره ایلام کهن، خط میخی کاملاً رمزگشایی شده است. بنابراین، در آفتابی کردن زوایای تاریک این دوره بسیار راهگشا هستند» (نوری شادمهانی، ۱۳۹۰: ۹۷).

بحث ما درباره جمله «بنابراین، در آفتابی کردن زوایای تاریک این دوره بسیار راهگشا هستند» خواهد بود. نویسنده از عبارت «آفتابی کردن» برای بیان این جمله استفاده کرده است که اصطلاحی ادبی است، در حالی که می‌توانست به جای آن، از «روشن ساختن» استفاده کند.

هردوی این جمله‌ها، معنا و مفهوم را انتقال می‌دهند، اما جمله‌ای که در آن از عبارت «آفتابی کردن» استفاده شده است، نظر خواننده را بیشتر به خود جلب می‌کند و او را به متن علاقه‌مند می‌کند.<sup>۱</sup> از آنجاکه هم جمله نویسنده کتاب و هم عبارت پیشنهادی نگارنده، معنا و پیام مورد نظر را انتقال می‌دهند، می‌توان گفت مترجم متون علمی به خصوص متون علوم اجتماعی می‌تواند از دو راه برای ترجمه عناصر ادبی استفاده کند: الف) انتقال دادن عنصر ادبی با عنصری ادبی در زبان مقصد. ب) استفاده از معادلی در زبان مقصد که مفهوم عنصر ادبی را برساند. پس، برای ترجمه اصطلاح ادبی به کاررفته در جمله پیش گفته، می‌توان از دو روش استفاده کرد: الف) انتقال دادن عبارت «آفتابی کردن» با استفاده از عبارت انگلیسی "Put the Sunlight on"؛ ب) انتقال دادن عبارت «آفتابی کردن» با استفاده از عبارت انگلیسی "Make Clear"، که معنا و مفهوم عبارت «آفتابی کردن» را به زبان ساده می‌رساند.

روش اول روشی است که از آن باید در متون ادبی استفاده کرد. اما از روش دوم نمی‌توان در متون ادبی استفاده کرد، چون این روش ساده سازی روح متن ادبی را مخدوش می‌کند. برای مثال می‌توان، به نمونه هایی از ترجمه عبارتی از قرآن اشاره کرد که ابوالحسن نجفی (۱۳۶۱) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «مسئله‌ی امانت در ترجمه» بیان داشته است.

از نظر ابوالحسن نجفی، سه ترجمه اول، تقریباً، لفظ به لفظ است و باین همه، قابل اعتماد نیستند؛ زیرا سبک را فدای محتوا کرده‌اند. به عبارت دیگر، در این سه ترجمه، سبک شاعرانه و ادبی موجود در

<sup>۱</sup> نویسندگان متون علمی باید از عناصر زبانی و ادبی به بهترین شیوه استفاده کنند و باید بدانند که استفاده از این عناصر بر علاقه خواننده به درگیر شدن در متن می‌افزاید و دال بر متکلف نوشتن نویسنده نیست. متیو آرنولد (۱۸۸۲)، یکی از منتقدان ادبی برجسته جهان، بر این باور است که بشر تمایل دارد دانش‌های مختلف را به حس اخلاقی و حس زیبایی خودش ربط دهد و اگر این دانش‌ها با این حس‌های او در ارتباط باشند، آنها را بهتر جذب می‌کند. به نظر او، هنر، شعر و بلاغت زبانی می‌توانند باعث شوند بشر دانش‌های جدید را به حس زیبایی و اخلاقی خود ربط دهد و در نتیجه این دانش‌ها را جذب کند.



عبارت قرآنی نادیده گرفته شده است و مترجمان صرفاً به فکر انتقال پیام بوده‌اند و در ترجمه عبارت از عنصر ساده‌سازی بهره گرفته‌اند. اما، ابوالحسن نجفی ترجمه امام محمد غزالی را امین می‌داند؛ زیرا مترجم هم توانسته محتوا و هم سبک شاعرانه را انتقال دهد. اگرچه کلماتی همچون «دامادی»، «گل‌ها» و «درختان» را به متن افزوده است.

### نمونه دوم:

«با پایان یافتن پادشاهی هوتلودوش این شوشینک، سکوت کاملی در مورد ایران و بیشتر سرزمین‌های خاور نزدیک حاکم می‌گردد. این سکوت در حدود دویست سال طول می‌کشد تا اینکه دوباره خورشید فرهنگ ایلام از پشت کوه‌های رازآلود تاریخ سر بیرون می‌آورد و بدین ترتیب ایلام نو آغاز می‌گردد» (نوری شادمهانی، ۱۳۹۰: ۹۸).

بحث ما درباره جمله «تا اینکه دوباره خورشید فرهنگ ایلام از پشت کوه‌های رازآلود تاریخ سر بیرون می‌آورد» است. در این جمله، نویسنده از تعبیراتی همچون «خورشید فرهنگ ایلام» و «از پشت کوه‌های رازآلود» استفاده کرده است که ردپای این عبارات را بیشتر در متون ادبی می‌توان یافت. نویسنده می‌توانست به جای جمله مزبور از این جمله استفاده کند: «تا اینکه دوباره فرهنگ ایلام ظهور کرد».

هردوی این جمله‌ها، معنا و مفهوم یکسانی را انتقال می‌دهند، اما جمله نویسنده، که به صورت ادبی نوشته شده است، بر خواننده تأثیر بیشتری می‌گذارد و او را به خواندن کتاب علاقه‌مندتر می‌کند. مترجم نیز می‌تواند این تعبیر را انتقال دهد یا از روش ساده‌نویسی در ترجمه استفاده کند:

1. The sun of Elamite's culture rise again from the mysterious mountains of the history.

2. Elamite's culture appeared again.

هردوی این ترجمه‌ها درست است، اما آنچه ترجمه اول را از دومی متمایز می‌کند قدرت اثرگذاری آن و علاقه‌مند کردن خواننده زبان مقصد به متن است. به عبارت دیگر، با استفاده از روش اول می‌توان همان تأثیری را بر خواننده زبان انگلیسی گذاشت که متن اصلی بر خواننده زبان فارسی دارد.

به طور کلی، با توجه به نظرهای مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به نوع هر متن، شیوه خاصی را باید برای ترجمه به کار برد. از آنجاکه در متون علوم اجتماعی، محتوا و پیام به نسبت فرم زبانی از اهمیت بیشتری برخوردار است، مترجم نباید خود را در گرداب بازی‌های زبانی قرار دهد؛ یعنی اگر در متون علوم اجتماعی عناصر ادبی و بلاغی همچون اصطلاحات ادبی، تشبیه، استعاره و... به کار رفته است، مترجم مجبور نیست این عناصر زبانی را به زبان مقصد انتقال دهد و اگر بتواند معنا و مفهوم موجود در این عناصر را بیان کند کافی است. این نکته را باید در نظر داشت که

ارجحیت پیام به معنای نادیده گرفتن کامل صورت زبانی نیست، چون محتوا در قالب صورت بیان می شود و این صورت است که محتوا را انتقال می دهد. بهترین حالت ترجمه این است که مترجم هم پیام نویسنده و هم سبک نگارشی او را انتقال دهد.

### معادل یابی

از آنجاکه اکثر مترجمان در معادل یابی در سطح کلمه دچار مشکل می شوند و بعضی از کلمات در متون علوم اجتماعی مرکزی و اصلی اند، تمرکز خود را بر معادل یابی در سطح کلمه قرار می دهیم. قبل از پرداختن به معادل یابی در سطح کلمه، ابتدا، باید خود کلمه را تعریف کنیم. اگر بخواهیم تعریف غیردقیقی از کلمه ارائه دهیم باید بگوییم که «کلمه کوچک ترین واحد زبانی است که به تنهایی می توان از آن استفاده کرد» (بولینگر و سیئرز، ۱۹۶۸: ۴۳). به بیانی دقیق تر، کلمه ترکیبی از حروف مختلف است. ترکیب حروف می تواند پیشوند، پسوند و ریشه کلمات را تشکیل دهند که هر کدام از این سه معنای خاصی دارند. پس، کلمه می تواند از پیشوند، ریشه و پسوند تشکیل شود و تجزیه و تحلیل معنای این عناصر می تواند به ما کمک کند تا به معنای دقیق کلمه دست یابیم.

دانشمندان علوم اجتماعی مفاهیم جدیدی را معرفی می کنند و آنها را در قالب کلمات و عبارات شکل می دهند. اگر این اصطلاحات و عبارات مقبول همگان واقع شوند، به مثابه اصطلاحات فنی شناخته می شوند. به طور کلی، به نظر هنری هییم و تیموسکی (۲۰۰۶: ۴) می توان گفت:

«یکی از ویژگی های گفتمان علوم اجتماعی این است که از طریق مفاهیمی ارتباط برقرار می کند که میان جامعه دانشمندان و گروه های خاص از معنا و مفهوم یکسانی برخوردارند. این مفاهیم شکل اصطلاحات فنی علوم اجتماعی را به خود می گیرند و مختص فرهنگ خاصی هستند و می توانند ویژگی های اخلاقی و ایدئولوژیکی خاصی داشته باشند. همچنین، می توانند شامل فرضیات تاریخی باشند که مختص یک ملت اند.»

با توجه به دیدگاه هایی که برای ویژگی های مفاهیم علوم اجتماعی بیان شده است، باید گفت استفاده از فرهنگ لغت برای انتقال این مفاهیم ناکافی خواهد بود؛ چون استفاده از فرهنگ لغت برای ترجمه چنین مفاهیمی به مترجم اجازه نمی دهد که تفاوت های معنایی را انتقال دهد و در نتیجه خواننده گمراه خواهد شد. ترجمه تنها با استفاده از فرهنگ لغت میسر نمی شود و حتی در بعضی از مواقع استفاده از فرهنگ لغت به ترجمه غلط منتهی می شود. لازم است مترجم متون علوم اجتماعی بافت متن، دوره شکل گیری مفهوم، ویژگی های ایدئولوژیکی مفهوم و... را در نظر بگیرد تا به معنای دقیق کلمه دست یابد و سپس، بهترین معادل ممکن در زبان مقصد را بیابد. این موفقیت، به معنای

دقیق، صرفاً از عهدهٔ افرادی برمی‌آید که با زبان مبدأ آشنایی کامل داشته باشند و در زمینهٔ علوم اجتماعی مطلع باشند و کارشناس و تحلیلگر موضوعات علوم اجتماعی باشند. به‌طور کلی، یکی از اساسی‌ترین الزامات در ترجمهٔ متون علوم اجتماعی، درک معنای متن است. «در وضع آرمانی، مترجم متون علوم اجتماعی، نه تنها باید فردی باشد که در ترجمه مهارت دارد، بلکه باید با ادبیات و نوشته‌های مربوط به رشته‌ای که متن زیرمجموعهٔ آن قرار دارد آشنایی طولانی مدت داشته باشد و ترجیحاً فردی باشد که به موضوع متن علاقه‌مند باشد (والراشتاین، ۱۹۸۱: ۸۹).

بنابراین درک معنای یک کلمه بخشی از فرآیند ترجمه می‌باشد و بخش دیگر آن پیدا کردن معادلی در زبان مقصد می‌باشد که مفهوم کلمهٔ زبان مبدأ را برساند. معادل یابی در سطح کلمه مشکلی است که اکثر ترجمه‌شناسان و مترجمین بنام به آن صحنه گذاشته‌اند و همین امر باعث شده است که نگرش‌ها و نظرات گوناگونی پیرامون آن شکل گیرد و برای حل چنین مشکلی راهکارهای گوناگون ارائه گردد. در نوشته‌ای تحت عنوان «رهنمون‌هایی برای ترجمه‌ی متون علوم اجتماعی»<sup>۱</sup> مایکل هنری هییم و اندرزج دابلیو تیموسکی (۲۰۰۶) بیان می‌دارند که اگرچه راه حلی فراگیر برای معادل یابی وجود ندارد، اما دو نگرش دیرین برای معادل یابی اصطلاحات فنی وجود دارد.

۱. پذیرش اصطلاح زبان مبدأ به عنوان کلمهٔ قرضی در زبان مقصد. یعنی اینکه اصطلاح فنی را به همان شکلی که در زبان مبدأ وجود دارد وارد زبان مقصد نماییم. برای مثال، می‌توان به کلماتی همچون کودتا، اپوزسیون، پارلمان، بانک و کابینه اشاره کرد که اکنون مورد استفاده و قبول همگان می‌باشند. البته در اینجا باید خاطر نشان ساخت که پذیرش چنین کلماتی در زبان مقصد یک شبه میسر نخواهد شد و تصور ما نباید بر این باشد که انتقال کلمات بیگانه (که مفاهیم جدید علمی را در بردارند) به متون علمی ما به زبان فارسی لطمه می‌زند. بنا به گفتهٔ ابوالحسن نجفی (۱۳۶۱) صرف ورود واژه‌های بیگانه، که هیچ زبانی از آن برکنار نیست، به خودی خود نمی‌تواند خطری به شمار رود. اگر چنین می‌بود زبان فارسی در رابطهٔ هزار و چند ساله‌اش با زبان عربی و اخذ ده‌ها هزار واژه و اصطلاح از آن زبان، تا کنون می‌بایست به کلی نابود شده باشد. او بر این اعتقاد است که نفوذ زبان‌های خارجی آنجایی باعث نگرانی است که دگرگونی‌های ساختی به بار آورد، یعنی در دستور زبان نفوذ کند.

<sup>1</sup> Guidelines for the translation of social science texts

۲. ترجمه تحت‌اللفظی عبارات و کلمات؛ برای نمونه، می‌توان به اصطلاح‌های جناح راست، شعور طبقاتی، آردوی کار، تنازع بقا،<sup>۴</sup> و روبنا<sup>۵</sup> اشاره کرد. شاید در نظر بعضی، ترجمه تحت‌اللفظی آفت زبان فارسی باشد، اما چنین نظری همواره صادق نیست. تا آنجا که ترجمه تحت‌اللفظی اثری سوء بر زبان فارسی ندارد، می‌توان از آن استفاده کرد. حتی گاهی پیش می‌آید که ترجمه لفظ‌به‌لفظ نه تنها مباینی با زبان فارسی ندارد، بلکه با اسلوب آن مطابق یا سازگار است و حتی در بسیاری از موارد بر وسعت تعبیر زبان می‌افزاید، نظیر نمونه‌هایی همچون بحران فرهنگی،<sup>۶</sup> آزادی مطبوعات،<sup>۷</sup> جهان آزاد،<sup>۸</sup> و اختلاف عقیده<sup>۹</sup> (حسینی، ۱۳۸۲: ۸۲).

در ادامه، هنری‌هیم و تیموسکی (۲۰۰۶) اظهار می‌کنند مترجم می‌تواند از پاورقی برای توضیح این معادل‌ها استفاده و منشأ آن را بیان کند تا به درک خواننده کمک کند. البته، باید گفت استفاده از پاورقی یگانه راه روشن کردن اصطلاح نیست. مترجم می‌تواند، بنا به سلیقه خود، از توصیف درون متنی که داخل کمانک قرار می‌گیرد نیز استفاده کند.

روش‌هایی که برای معادل‌یابی در سطح کلمه ذکر شد، تمام راه‌های معادل‌یابی نیستند، بلکه روش‌های مرسوم معادل‌یابی‌اند. برای آنکه بتوانیم به شیوه‌های بیشتری برای معادل‌یابی اشاره کنیم به کتاب به عبارت دیگر: کتابی مرجع دریاب ترجمه<sup>۱۰</sup> به قلم مونا بیکر رجوع می‌کنیم.

مونا بیکر (۱۹۹۲: ۴۶-۴۲) به مشکلات موجود در معادل‌یابی‌مندی پردازد و براساس آنچه مترجمان حرفه‌ای در مواجهه با این مشکلات انجام داده‌اند راهکارهایی ارائه می‌دهد که پیشتر به دو مورد آن اشاره شد. در ادامه، به دو راهکار دیگر اشاره می‌کنیم که می‌تواند برای ترجمه اصطلاحات و کلمات موجود در متون علوم اجتماعی مؤثر باشد:

<sup>1</sup>RightWing

<sup>2</sup>Class Consciousness

<sup>3</sup>Labor Camp

<sup>4</sup>Survival of the Fittest

<sup>5</sup>Superstructure

<sup>6</sup>Crise Culturelle

<sup>7</sup>Liberte de la Presse

<sup>8</sup>Free World

<sup>9</sup>Divergence d'Opinions

<sup>10</sup>In Other Words: A Coursebook on Translation

### ۱. ترجمه با استفاده از عنصر فرهنگی جایگزین

«هم متون علوم اجتماعی و هم متون علمی مبین فرهنگ خاصی هستند و با اینکه این ویژگی غالباً در متون علوم اجتماعی بیشتر است، بسیاری از متون علوم اجتماعی روابط متقابل میان فرهنگ‌ها را به تصویر می‌کشند» (هنری‌هیم و تیموسکی، ۲۰۰۶: ۵). با توجه به این نظر باید گفت که اصطلاحات و کلمات دارای بار فرهنگی، به‌وفور در متون علوم اجتماعی یافت می‌شوند که برای ترجمه آنها باید روش مناسبی اتخاذ کرد. یکی از روش‌هایی که می‌توان از آن استفاده کرد، ترجمه با استفاده از عنصر فرهنگی جایگزین است. براساس این روش، اگر کلمه‌ای در متن زبان مبدأ دارای بار فرهنگی خاصی باشد، می‌توانیم از معادلی در زبان مقصد استفاده کنیم که بار فرهنگی آن مختص زبان مقصد باشد. مونا بیکر هدف از این روش را ایجاد تأثیری یکسان بر خواننده می‌داند. اما، باید گفت که این قانون برای متون علمی همواره ثابت نیست و باید عنصر فرهنگی زبان مبدأ را به زبان مقصد انتقال داد تا خواننده با عنصر فرهنگی زبان مبدأ آشنا شود. به‌نظر نگارنده، تا آنجا که ممکن است باید کلماتی را که دارای بار فرهنگی زبان مبدأ هستند، بدون جایگزینی با عنصر فرهنگی دیگر به زبان مقصد انتقال داد. برای روشن‌تر شدن روش می‌توان به نمونه‌هایی از ترجمه ایرج اسکندری (۱۳۵۲) از کتاب سرمایه<sup>۱</sup> اثر مهم کارل مارکس، اشاره کرد:

«بدیهی است که هیچ تغییری در مورد تقسیم ارزش‌های مورد دوران نمی‌تواند مبلغ آنها را زیادتر کند، همچنان‌که یک نفر یهودی با فروش یک فارسینگ از مسکوکات زمان ملکه‌آنا به یک‌گینه حجم فلزات گران‌بها را در کشور معینی زیادتر از آنچه هست نخواهد نمود.» (ص، ۲۶)

در این سه‌سطر، سه کلمه فارسینگ، ملکه‌آنا و گینه از عناصر فرهنگی هستند که در متن اصلی سرمایه آمده‌است و ایرج اسکندری، مترجم، به‌جای آنکه از عناصر فرهنگی زبان فارسی استفاده کند، همان عناصر زبان مبدأ را آورده است و در پاورقی به توضیح آنها پرداخته‌است:

**Farthing**: نام کوچک‌ترین پول مسی انگلستان مانند پشیز یا غاز در ایران قدیم و در زمان

صفویه؛

**Anna**: ملکه انگلیس از سال ۱۷۰۱ تا ۱۷۱۴؛

**Guinee**: پول طلای قدیمی انگلستان که اکنون فقط در محاسبت به‌جای شیلینگ نام برده می

شود، همچنان‌که تومان به‌جای دره‌یال در ایران.

<sup>۱</sup>Capital

اما، اگر مترجم برای ترجمه این عناصر فرهنگی زبان مبدأ، از عناصر فرهنگی زبان فارسی استفاده می‌کند، به احتمال زیاد، متن به این شکل درمی‌آید: «بدبهی است که هیچ تغییری در مورد تقسیم ارزش‌های مورد دوران نمی‌تواند مبلغ آنها را زیاده‌تر کند، همچنان که یک نفر سنی (یا هر اقلیت دیگری که می‌تواند برای این ترجمه مناسب باشد)، با فروش یک پیشیز از مسکوکات زمان شاه‌عباس به یک تومان حجم فلزات گران‌بها را در کشور معینی زیاده‌تر از آنچه هست نخواهد نمود».

شاید ترجمه دوم تأثیر یکسانی بر خواننده زبان مقصد داشته باشد (یعنی همان تأثیری را بر خواننده زبان مقصد بگذارد که متن مبدأ بر خواننده زبان مبدأ می‌گذارد)، اما روح متن اصلی را، که به عناصر فرهنگی بیگانه وابسته است، خدشه‌دار کرده است. ایرج اسکندری با این ترجمه هم توانسته تأثیر مشابهی را در خواننده برانگیزد و هم خواننده را با عناصر فرهنگی زبان بیگانه آشنا کرده است. پس، راهکار این مترجم (حفظ عناصر فرهنگی موجود در زبان مبدأ و استفاده از پاورقی برای توضیح بیشتر در باب عنصر فرهنگی در زبان مقصد) راهکار مناسب‌تری برای ترجمه کلمات با بار معنایی فرهنگی است. این به این معنا نیست که راهکار دوم، یعنی همان راهکاری که مونا بیکر به آن اشاره کرده است (ترجمه با استفاده از عنصر فرهنگی جایگزین)، کاملاً اشتباه است. مترجمان زیادی از راهکار دوم استفاده می‌کنند؛ برای مثال، می‌توان به نمونه‌ای اشاره کرد که مونا بیکر (۲۰۰۶: ۳۲) ذکر کرده است:

«یک دانشمند مشهور (بعضی‌ها می‌گویند که برتراند راسل بود)، یک‌بار، در مورد نجوم سخنرانی عمومی داشت. او توضیح داد که چطور زمین به دور خورشید می‌گردد و خورشید نیز به دور مرکز مجموعه عظیمی از ستارگان که کهکشان نامیده می‌شود در حال گردش است. در پایان سخنرانی، از ته سالن خانم کوچک و مسنی بلند شد و گفت: «آنچه که شما گفتید همه‌اش مزخرف است و جهان واقعاً صفحه تختی است که بر پشت لاک‌پشت بزرگی قرار دارد». دانشمند پیش از جواب‌دادن به این خانم لبخندی زد و گفت: «لاک‌پشت روی چه چیزی قرار دارد؟» زن مسن گفت: «شما خیلی باهوش هستید مرد جوان، اما به هر حال این لاک‌پشت‌ها هستند که جهان رویشان قرار دارد.» (هاوکینگ، ۱۹۸۸).

این بند، پاراگراف آغازین کتاب مشهور استیفن هاوکینگ درباره زمان و نظریه انفجار بزرگ است. با این پاراگراف، هاوکینگ توجه خواننده را جلب می‌کند و او را برمی‌انگیزد که خواندن کتاب را ادامه دهد. از آنجاکه خوانندگان یونانی با شخصیت‌های نوشته‌های هاوکینگ آشنایی ندارند و نمی‌توانند با آنها ارتباط برقرار کنند، مترجم زبان یونانی این کتاب برای اینکه مانند نویسنده اصلی آن توجه خواننده را به کتاب جلب کند، از شخصیت‌هایی استفاده می‌کند که برای خوانندگان یونانی آشنا هستند.

از آنجاکه نیمی از جامعه تحصیل کرده یونان داستان آلیس در سرزمین عجایب را خوانده‌اند و با تمام شخصیت‌های آن آشنایی دارند، مترجم به جای استفاده از شخصیت‌های متن اصلی، از شخصیت‌های داستان آلیس در سرزمین عجایب استفاده می‌کند تا تأثیری مشابه بر خواننده زبان مقصد بگذارد. ترجمه این مترجم یونانی به این صورت است:

«آلیس روزی در سرزمین عجایب درباره نجوم سخنرانی کرد... در پایان سخنرانی، ملکه از ته سالن بلند شد. او گفت: «زمین مانند یک ورق عظیم پاسور است و مانند تمام ورق‌های پاسور تخت است...». آلیس لبخندی زد و جواب داد: «پس این ورق روی چه چیزی قرار دارد...».

با این کار، مترجم توجه خواننده را جلب و او را وارد داستان کرده است. در اینجا، اگرچه عناصر فرهنگی متن مبدأ نادیده گرفته شده و مترجم از عناصر فرهنگی کشور یونان استفاده نکرده است، از عناصر فرهنگی آشنا برای خواننده استفاده شده است تا واکنشی را در خواننده برانگیزد که همانند واکنش خواننده متن اصلی است. بنابراین، می‌توان برای جایگزینی عناصر مبدأ، از عناصر فرهنگی زبان مقصد، یا عناصر آشنا برای خواننده استفاده کرد. اما، به نظر نگارنده، روش ایرج اسکندری مناسب تر است.

## ۲. استفاده از عمل حذف

در متون علمی، مترجم موظف به ترجمه تک تک کلمات نیست؛ یعنی مترجم می‌تواند بعضی از کلمات را حذف کند. این دیدگاه به متون علوم اجتماعی نیز تعمیم می‌یابد. شاید استفاده از عمل حذف عجیب به نظر برسد، اما در بافت بعضی از متن‌ها، حذف یک کلمه یا اصطلاح به متن آسیب نمی‌رساند: «اگر معنای یک کلمه و اصطلاح در گسترش و توسعه متن از اهمیت زیادی برخوردار نیست و در حکم توضیح واضح است، مترجم می‌تواند از عمل حذف برای ترجمه استفاده کند» (بیکر، ۱۹۹۲: ۴۰). بنابراین، هر کلمه‌ای را نمی‌توان حذف کرد، مخصوصاً کلماتی که در متن از اهمیت برخوردارند و فقدان آنها به پیام متن آسیب می‌رساند. برای روش حذف می‌توان به جمله‌های زیر، برگرفته از کتاب *استبداد شرقی: مطالعه تطبیقی قدرت مطلق*<sup>۱</sup> نوشته ویتفولگ،<sup>۲</sup> اشاره کرد:

1. "In the recent past, scholars often gave themselves to the study of details because they took the broad principles of life and thought for granted" (p:10).

ترجمه دقیق جمله بالا:

<sup>۱</sup> Oriental Despotism A comparative study of total power

<sup>۲</sup> Karl A Wittfogel

«در گذشته نزدیک، دانشمندان خودشان را وقف مطالعه جزئیات می‌کردند، چون آنها اصول کلی زندگی و تفکر را بدیهی می‌دانستند».

ترجمه جمله بالا با به کارگیری عمل حذف:

«در گذشته نزدیک، دانشمندان غالباً جزئیات را مطالعه می‌کردند، چون اصول کلی زندگی و تفکر را بدیهی می‌دانستند».

اگر به این دو ترجمه دقت کنیم، درمی‌یابیم که از نظر معنا و مفهوم هیچ تفاوتی ندارند و پیام را انتقال می‌دهند، درحالی که در ترجمه دوم، کلمات **gave, themselves, they** حذف شده‌اند و کلمه **study**، که در جمله اصلی اسم بوده است، به صورت فعل ترجمه شده است.

2. "In hydraulic countries having several independent sources of water supply, the task of controlling the moisture is performed by a number of separated work teams"(P:25).

ترجمه دقیق جمله ۲:

«در کشورهای هیدرولیکی که چندین منبع مستقل سیستم آبرسانی دارند، وظیفه کنترل رطوبت توسط شماری از تیم‌های کاری مجزا صورت می‌گیرد».

ترجمه جمله ۲ با به کارگیری عمل حذف:

«در کشورهای هیدرولیکی دارای چندین منبع مستقل سیستم آبرسانی، کنترل رطوبت را تیم‌های کاری مجزا انجام می‌دهند».

این دو ترجمه نیز معنا و مفهوم یکسانی را انتقال می‌دهند، درحالی که در ترجمه دوم، کلمات **by, task** و **a number of** حذف شده‌اند و جمله مجهول موجود در جمله اول، به جمله معلوم تبدیل شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در بین بعضی از افراد، حتی دانشگاهیان، این تصور غلط وجود دارد که با استفاده از یک فرهنگ لغت می‌توان متون مختلف را ترجمه کرد و در عمل ترجمه به دانش دریاب موضوع متن و مهارت ترجمه نیازی نیست. اما، همان‌طور که در این مقاله اشاره شد، در متونی مانند متون علوم اجتماعی، مفاهیم دارای بار ایدئولوژیکی، فرهنگی، اخلاقی و... هستند و اکثر معادل‌های به کار رفته در فرهنگ‌های لغت این مفاهیم را نادیده گرفته‌اند. حال، جای این سؤال است که آیا هر فردی قادر به درک مفاهیم ایدئولوژیکی، فرهنگی، اخلاقی و... هست یا خیر؟



یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی که در ترجمه متون تخصصی، به‌خصوص متون علوم اجتماعی، وجود دارد، ناآشنایی با موضوع متن‌هاست. اکثر مترجمان مطرح ایرانی همچون مرحوم کریم امامی (۱۳۸۵) و صالح حسینی (۱۳۸۲) و همچنین افرادی مانند والراستاین (۱۹۸۱) و مایکل هنری هیم و اندرزج دابلیو تیموسکی (۲۰۰۶) که در زمینه ترجمه متون علوم اجتماعی مقاله‌هایی نوشته‌اند و نظراتی را مطرح کرده‌اند، بر این اعتقادند که آشنایی با موضوع متن تخصصی یکی از الزامات ترجمه است. مترجمی که با موضوع آشنایی نداشته باشد ممکن است برای خواننده همان مشکلی را بیافریند که برای ابوعلی سینا بوجود آمده بود. «معروف است که ابو علی سینا ترجمه عربی ریطوریقای ارسطو را هفتاد بار خواند تا توانست آن را بفهمد: ریطوریقا را ابوبشربن متی از زبان سریانی، که در آن تبحر داشت، ترجمه کرده بود و عدم آشنایی این مترجم با موضوع باعث شده است که ابوعلی سینا برای فهم کتاب هفتاد بار آن را بخواند» (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۳). در این مقاله به مسائل دیگری همچون ندانستن ویژگی‌های متون علوم اجتماعی پرداختیم، چون همین عدم آشنایی به ویژگی‌های یک متن می‌تواند مشکلات زیادی برای مترجم بیافریند. یکی از مشکلاتی که این مسئله برای مترجم علوم اجتماعی می‌آفریند گرفتار شدن در گرداب بازی‌های زبانی (تشبیه، استعاره و ...) و صورت زبانی و همچنین ساختارهای زبان مبدأ می‌باشد. اگر مترجم علوم اجتماعی بداند که هدف اصلی متون علوم اجتماعی انتقال پیام و محتوا است و نحوه بیان محتوا از اهمیت کمتری برخوردار است خود را درگیر به حفظ ساختار زبانی متن مبدأ نمی‌کند در مورد ساختار زبانی می‌توان به نمونه‌ای از ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۷۹) از کتاب جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز (۱۹۸۹) اشاره کرد:

"In Japan, there is a group of people who are physically indistinguishable from other Japanese, have lived in the country for hundreds of years and share the same religion, yet are regarded with hostility or disdain by the majority of the Japanese population" (Anthony Giddens, 1989:243).

«در ژاپن، گروهی از مردم زندگی می‌کنند که از نظر فیزیکی فرقی با سایر ژاپنی‌ها ندارند. آنها صدها سال در این کشور زندگی کرده‌اند و به همان مذهب سایر مردم تعلق دارند، اما اکثریت مردم ژاپن به دیده دشمنی یا حقارت به آنها می‌نگرند» (منوچهر صبوری، ۲۷۶).

اگر به ساختار نوشتاری گیدنز نگاهی بیندازیم متوجه خواهیم شد که جمله به‌کار رفته توسط او بسیار طولانی می‌باشد و با استفاده از وی‌رگول این جمله طولانی را بیان داشته است. اگر مترجم این ساختار نویسنده، استفاده از جمله طولانی، را به زبان مقصد (فارسی) انتقال می‌داد ممکن بود درک آن برای خواننده سخت و دشوار شود. اما منوچهر صبوری بهترین راه را برگزید و از آنجا که می‌داند انتقال محتوا از فرم زبانی اهمیت بیشتری دارد، جمله طولانی نویسنده را با دو جمله در زبان فارسی

انتقال داد و اگرچه مترجم ساختار زبانی بکار رفته توسط گیدنز را حفظ نکرده است، اما با این روش خود باعث شد که خواننده فارسی زبان معنا و مفهوم جمله طولانی را زودتر و بهتر درک کند. ذکر این نکته ضروری است که نگارنده صفحات بیشماری از ترجمه این مترجم گرانقدر را بررسی کرده است و متوجه شده است که مترجم در حفظ ساختار زبانی نویسنده کتاب نهایت تلاش خود را کرده است و در این امر موفق بوده است و آن ساختارهایی را که فکر می کرد با روح زبان فارسی در تناقض است و همچنین در درک خواننده مشکل می آفریند نادیده گرفته است. این جاست که باید گفت که یکی از بهترین و مؤثرترین روش ها برای فائق آمدن به مشکلات موجود در ترجمه متون علوم اجتماعی بررسی ترجمه مترجمان بزرگ کشورمان در زمینه علوم اجتماعی و استخراج راهکارهای آنها برای فائق آمدن به مشکلات است. جدا از این مسائل، از آنجایی که اکثر مترجمین با معادل یابی در سطح کلمه دچار مشکل می شوند، در این مقاله سعی شده است تا راهکارهایی برای حل این مشکلات ارائه شود و از این راهکارها هم برای ترجمه کلمات فنی و یا عمومی موجود در متنها استفاده کرد. این راهکارها شامل پذیرش اصطلاح زبان مبدأ به عنوان کلمه قرضی در زبان مقصد، ترجمه تحت اللفظی عبارات و کلمات، ترجمه با استفاده از عنصر فرهنگی جایگزین و استفاده از عمل حذف است. این راهکارهای ارائه شده تنها راهکارهای موجود برای پیدا کردن معادل نمی باشند، اما از آنجایی که در یک مقاله مختصر نمی توان به تمام آنها اشاره کرد به ذکر مهمترین راهکارها بسنده شده است.

### تشکر و قدردانی

از پروفسور ایمانوئل والراشتاین سپاسگزارم که وقت گران بهای خود را صرف مطالعه دقیق این مقاله کردند و نظرهای سازنده ای ایراد فرمودند.

### منابع

- امامی، کریم (۱۳۸۵) / از پست و بلند ترجمه، تهران: نیلوفر.
- حسینی، صالح (۱۳۸۲) «لزوم انس با زبان و ادب فارسی در ترجمه»، در: نظری به ترجمه، تهران: نیلوفر: ۳۱-۶۰.
- شاتلورث، مارک و موئیرا کاوی (۲۰۰۶) فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه، ترجمه فرزانه فرحزاد، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری، تهران: یلدا قلم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

مارکس، کارل (۱۳۵۲) سرمایه، ترجمه ایرج

اسکندری (۹۰/۱۲/۲۵) asdownload.net%7D.rar

<http://www.dl.asdownload.net/21/capital%20marx%7Bwww>.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۱) «آیا زبان فارسی در خطر است؟»، نشر دانش، سال سوم، شماره ۲: ۴-۱۵.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۱) «مسئله امانت در ترجمه»، نشر دانش، سال سوم، شماره ۱: ۵-۱۱.

نوری شادمهانی، رضا (۱۳۹۰) تاریخ فرهنگ ایران، تهران: مهکامه.

Arnold, Mathew. (1882). *Literature and science*. [Online] Available:

<http://homes.chass.utoronto.ca/~ian/arnold.htm>

Baker, M. (2006). *In Other Words: A Coursebook on Translation*.

London: Routledge.

Bolinger, D. and Sears, D. (1968, 1981). *Aspects of Language*. New

York: Harcourt Brace Jovanovich.

BÜHLER, Karl (1934). *Sprachtheorie*. Stuttgart. Munich

Giddens, Anthony. (1989). *Sociology*. UK: Polity Press in association with Blackwell Publishers

Hawking, S. W. (1988) *A Brief History of Time from the Big Bang to Black Holes*, London and Auckland: Bantam Press.

Henry Heim, Michael & Tymowski, Andrzej W. (2006). *Guidelines for the translation of the social science texts*. New York: American council of learned societies

Levy, Jiří. (1967/2000). "Translation as a Decision Process." In *To Honor Roman Jakobson. Essays on the Occasion of his 70th Birthday*, repr. *The Translation Studies Reader*, L. Venuti (ed.). 148-171.

Reeves, Carol. (2005). *The Language of Science*. London: . Routledge

Reiss, Katharina. (2000). *Translation criticism\_ The potentials and limitations*. UK: St. Jerome Publishing

Schutz, A. (1970). "Concept and Theory Formulation in the Social Sciences". *Sociological Theory and Philosophical Analysis*. London : Macmillan.

Sedaghat Rostami, Mostafa. (2012) .A model for the evaluation of translations: with an emphasis on the stylistic features, *International Journal of Linguistics*, Vol. 4, No.2:55-72

- Subbotina,Victoria.(2015)."Pragmalinguistic Aspect of Social and Political Texts (on the Basis of the English and Russian Languages". The European Proceedings of Social & Behavioural Science
- Vieira,Renata Jorge.(2008).The translation of technical-scientific texts\_ A brief analysis,Available at:  
<http://www.periodicos.ufsc.br/index.php/traducao/article/download/5242/4629>
- WALLENSTEIN, I. (1981). "Concepts in the Social Sciences".*Translation Spectrum*. Albany, StateUniversity of New York Press, p. 88.
- Sarukkai, Sundar. (2001). "Translation and Science". *Meta*. XLVI: 646-663.
- Wittfogel,Karl A .(1967). *Oriental Despotism A comparative study of total power* . USA: Yale University Press

